پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شمارهٔ ۴۰، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۲۶۷ـ۲۸۳ (مقاله پژوهشی)

No. 40, Spring & Summer 2020

جستاری تاریخی، تطبیقی درباره واژه «نَذر و مشتقات آن» در زبانهای عبری، سریانی و عربی با تکیه بر قرآن و عهدین

محمدعلی همتی[۱]، رضا سعادت‌نیا[۲]، سیدسعید میری[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۳/۲۱ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۵/۱۳)

چکیده

موضوع پژوهش حاضر بررسی سیر تطور و تحول ساختاری و معنایی واژه نذر و مشتقات آن در زبان‌های عبری، عربی و سریانی با تمرکز بر گزارش قرآن و عهدین با روش تاریخی، تطبیقی – تحلیلی می‌باشد. مشتقات ریشه‌ی «نَذْر» در قرآن کریم در دو معنای نذرکردن و ترساندن آمده است. اما در زبان عبری و عهد عتیق و همچنین در زبان سریانی و عهد جدید فقط در معنای نذرکردن آمده، خبری از معنای ترساندن در این دو زبان و عهدین وجود ندارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر چه به عصر اسلام نزدیک می‌شویم معنای دومی برای این ریشه شکل می‌گیرد و آن ترساندن است.

کلید واژه‌ها: *نذر، قرآن، عهدین، عربی، سریانی، عبری.*

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده مطالعات تطبیقی قرآن شیراز، ایران (نویسنده مسئول)؛ mohammadalihemati@gmail.com
۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی اصفهان، ایران، dr.saadatnia@yahoo.com
۳. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی خاتم الانبیاء بهبهان، ایران، smiri@yahoo.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

۱. مقدمه

از آن جهت که اسلام در سلسله تاریخی ادیان ابراهیمی، آخرین دین به شماره می‌آید و پیامبر اسلام(ص) از سوی خداوند مبعوث گشت تا آنچه را که در گذشته به عنوان تورات و انجیل بر موسی(ع) و عیسی (ع) نازل شده بود تصدیق و تکمیل نماید، به جاست که برای درکی ژرف تر از اسلام، وجوه مشترک این دین آسمانی در قرآن کریم با عهدین مورد مقایسه و پژوهش قرار گیرد تا اندیشه‌های مشابهِ بنیادین این ادیان که یک خاستگاه سامی و ابراهیمی دارند، شناخته شود. هرچند طبق برخی آیات قرآن در تورات و انجیل تحریف واقع شده است، اما با این وجود، قرآن اصل وجود دو کتاب آسمانی را با صرف نظر از این که تورات و انجیل کنونی چقدر مشتمل بر آموزه‌های وحیانی نازل شده بر دو پیامبر نامی خداوند می‌باشد، پذیرفته است (آل‌عمران، ۳)؛ لذا شایسته است که این دو کتاب ولو به خاطر مشابهت بخش قابل توجهی از معارفشان با معارف قرآنی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند. این مطالعه و بررسی از سویی معنای قرآن را برای ما روشن‌تر می‌کند و برخی فقرات تورات و انجیل را که ممکن است تحریف شده باشند، معرفی می‌کند، و از سوی دیگر، در دنیای امروز، برای دستیابی به گفت و گویی بین ادیانی نیازمند آگاهی از آموزه‌های عهدین نیز هستیم. بر همین اساس، «از آنجا که قرآن به عنوان کتابی وحیانی است، مقایسه آن با آموزه‌های کلیسایی عصر نزول قرآن و برخی از نوشتارهای خاخام‌های یهودی میسر و مجاز است.» (ماسون، ۳۱/۱) دستیابی به این امر مهم از طریق زبان‌شناسی تاریخی ـ تطبیقی میسر است که موضوع آن «بررسی پدیده‌های آوایی، صرفی، نحوی و قاموسی در زبان‌های وابسته به یک خانواده زبانی واحد یا یکی از شاخه‌های خانواده‌های زبانی واحد است. لذا روش تطبیق در زبان‌شناسی بر اساس تقسیم زبان‌ها به خانواده‌های زبانی است» (حجازی، ۳۹). در این روش لغت‌های مشابه را در زبان‌هایی که از یک خانواده هستند در کنار یکدیگر قرارداده و سعی می‌کنند یک ارتباط نظام‌مند بین

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

آنها برقرارنمایند، به عبارت دیگر تغییرات صوتی آنها را قاعده‌مند دانسته و آنها را در یک نظام قرار می‌دهند (ایچسون، ۱۹۵). در این مسیر، آنچه مطالعات ریشه‌شناسی و به طور کلی زبان‌شناسی تاریخی جدید را از مطالعات سنتی متمایز می‌سازد، یکی استفاده از رویکردی تطبیقی و در واقع آگاهی از روابط وراثتی بین زبان‌های هم‌خانواده است و دیگری روشمندی، دقت و احتیاط بیشتر در برقراری روابط لفظی و معنایی است (گیررتس،۳۳-۳۸).

بیان مسأله

یکی از مفاهیم مشترک قرآن و عهدین، مفهوم نذر است. با زبان شناسی تاریخی- تطبیقی این مادّه در می‌یابیم که با فرم و معنای عربی آن، در تورات و انجیل که زبانشان هم خانواده زبان عربی و از اصل سامی است نیز به کار رفته است؛ امری که نشانگر آن است که این واژه دارای قدمتی به اندازه قدمت تورات است و در هر سه زبان کاربردهای یکسان و گاهی متفاوت دارد.

بر همین اساس، در این پژوهش نخست ساختار و معنای این ماده در زبان عربی و قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس از طریق زبان شناسی تاریخی – تطبیقی به طور مستوفی به بررسی ساخت و معنای آن در زبان عبری و سریانی و متن تورات و انجیل پرداخته می‌شود تا خاستگاه و سیر تحول و تطور تاریخی این ماده تبیین گردد.

در مورد پیشینه‌ی بحث، در رابطه با مفهوم مشتقات نذر در قرآن مقالاتی نوشته شده است، آرتور جفری در کتاب واژگان دخیل در قرآن مجید در ذیل واژه «نذر» مطلب کوتاهی ذکر نموده و بر این باور است که این واژه با معنای عهد و پیمان از حوزه‌های یهودی ـ مسیحی گرفته شده است. همچنین مقاله ای با عنوان «تحلیلی زبانشناختی- بین الادیانی از انگاره نذر در قرآن» از احمد پاکتچی منتشر گردیده است که بیشتر بر مباحث زبان‌شناسی، تفسیری و فقهی متمرکز است در حالی که پژوهش حاضر بر پیشینه نذر در

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

ادبیات جاهلی و نیز مطالعه تطبیقی بر روی متن عهدین و توجه به بسامدهای مشتقات نذر و تطبیق آنها با قرآن تمرکز دارد. اما آنچه این تحقیق را از دیگر نوشته‌ها متمایز می‌کند، ریشه‌یابی ساختاری و معنایی ماده‌ی مذکور در سه زبان عبری، سریانی و عربی با تکیه بر قرآن و عهدین است که در نوع خود جدید است.

۲. نذر در زبان عربی و قرآن

نذر در لغت به معنای ملزم ساختن خود بر انجام امری است که از قبل الزامی بر انجام آن نبوده‌است (ابن منظور،۱۴؛ راغب اصفهانی،۷۹۷، ذیل واژه نذر). براین اساس، شخص با نذر کردن خود را پایبند به انجام کاری می‌کند که در اصل تکلیف و الزامی در برابر آن نداشته است؛ ولی همین که نذر کرد بر او واجب می‌شود بر اساس تعهد و الزام، عمل کند و التزام خویش را به شکل وفای به مفاد نذر نشان دهد.

ابن فارس می‌گوید: این ریشه در اصل خود دلالت بر ترسیدن یا ترساندن می‌کند و نذر کردن هم از آن جهت است که شخص می‌ترسد که در امری که عمل به آن را بر خود واجب دانسته، خلف وعده نماید (ابن فارس، ۴۱۴/۵). از سخن ابن فارس چنین برمی‌آید که این واژه عربی و دارای اصل واحد است؛ اما به نظر آرتور جفری نذر در معنای عهد و پیمان به هیچ وجه ارتباطی با نَذَرَ به معنای آگاه‌گردانیدن و بیم‌دادن و مشتقات آن که عربی است و در قرآن بسیار به کار رفته، ندارد و در معنای عهد و پیمان از حوزه‌های یهودی – مسیحی گرفته شده است (جفری، ۳۸۱). مصطفوی نیز این واژه را در معنای عهد و پیمان، برگرفته از زبان‌های عبری و سریانی دانسته و می‌گوید: از آن جهت که در این زبان‌ها حرف ذال وجود ندارد به زاء یا دال نوشته می‌شود (مصطفوی، ۸۲/۱۲). این سخن مصطفوی در بخش بررسی واژه در زبان عبری شرح داده خواهد شد.

درباره‌ی ارتباط نَذر و انذار آیا دیدگاه ابن فارس صحیح است یا آرتور جفری؟ با توجه به این که چهار مورد از آیاتی که نذر در آن‌ها آمده است درباره مادر و مادر بزرگ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

عیسی است و به عبارتی حکایت از فرهنگ مسیحی دارد آیا ایـن ریشـه وام واژه اسـت و نذر برگرفته از فرهنگ مسیحیت است؟ شاید پژوهش پیش رو پاسـخگوی ایـن سـؤالات باشد؛ ولی باید ابتدا در ادبیات جاهلی به جستجو بپـردازیم و ببینـیم کـه آیـا ایـن ریشـه پیشینه‌ای در بین اعراب قبل از اسلام داشته یا خیر؟

شواهد ادبیات جاهلی نشان می‌دهد که این ریشه هم در معنای تعهد و پیمان و هم در معنای بیم و ترساندن آمده‌است. در معنای نَذر و عهد و پیمان زهیر بن ابی سلمی این‌گونه می‌سراید:

یَشـوُونَ لِلضَـیـفِ وَالعُفـاۀِ وَیو فـونَ قَـضـاءً إِذا هُـمُ نَـذَروا (زهیر، ۶۱)

(پادشاهانی که برای میهمانان و خواهندگان نعمت، قربانی می‌کنند و اگر نذری کنند بـه آن پایبند و وفادارند).

یا شاعری دیگر این گونه این ریشه را در معنای عهد و نَذر به کار گرفته است:

فَقولوا لِلَّذی آلی یَمیناً أَفِیَّ نَذَرتَ یا أَوسُ النُذورا (بشر بن ابی خازم،۷۴)

(به آن شخص که سوگند یاد کرده بگویید: ای اوس آیا درباره من نذر و عهد می‌کنی؟)

این شواهد نشان می‌دهد که در عصر جاهلی فرهنگ نذر و عهد و پیمان وجود داشته اسـت. اما این که آیا مفهوم نَذر و عهدی که از این واژگان برداشت می‌شـود مطـابق بـا مفهـوم نَـذر در ادبیات دینی و قرآن است نیاز به تحقیق بیشتر دارد. البته در ادبیات جاهلی واژگـانی دیگـر نیـز برای نذر و عهد آمده‌است که می‌توان به واژه «نحب» اشاره کرد؛ مثل بیت طرفۀ بن‌العبد:

قضی نحبه وجداً علیها مرقّش وعلّقتُ من سلمی خبالاً أُماطله(طرفۀبن‌العبد،۱۳۰)

(مرقّش در عشق اسما نذر خویش را ادا کرد و از شدت اندوه مرد و من هـم در عشـق سلمی گرفتار هلاکی هستم که پیوسته با من است).

این معنا و کاربرد برای این ماده تا بعد از اسلام استمرار یافته و حتی در ادبیات دینـی و قرآن نیز به کار رفته‌است: مانند آیه‌ی «**فَمِنهُم مَن قَضَی نَحبَهُ**» (الاحزاب، ۲۳)؛ امـا اینکـه چرا بعد از عصر نزول ریشه‌ی نَذر به معنای نَذر و عهد گسترش و تثبت گردید نیـز جـای تأمل است؟

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

در ادبیات جاهلی ریشه‌ی «نَذر» در معنای ترساندن و بیم دادن نیز آمده است، مانند سروده‌ی نابغه ذبیانی که می‌گوید:

تناذرها الرّاقون من سوء سمّها تطلّقه طورا وطورا تراجع (ذبیانی، ۵۴)

(افسونگران یکدیگر را از زهر مهلک آن مار ترساندند؛ ماری که گاه زهرش را رها می‌کرد و گاه برمی‌گرداند)

عنتره نیز در شعری این‌گونه می‌سراید:

و ما نذروا حتّی غشینا بیوتهم بغبیهٔ موت مسبل الودق مزعف (عنترهٔ، ۳۸)

(ایشان آگاه نشدند تا اینکه با مرگی غافلگیرانه و سریع وارد منازلشان شدیم)

این دو بیت اخیر حکایت از این دارد که اعراب قبل از اسلام ریشه‌ی «نَذر» را به همان اندازه که در معنای نَذر و عهد می‌فهمیدند، در معنای ترس و ترساندن نیز درک می‌کردند. اما این‌که آیا معنای نذر و عهد برای این ریشه در بین اعراب، اقتباس از فرهنگ یهودی مسیحی است؟ و اگر این گونه است از چه زمانی به محیط و فرهنگ اعراب وارد شده است؟ پاسخ به آن ساده نیست ولی مباحث بعدی زوایایی از بحث را روش می‌کند.

مشتقات «نَذر» در قرآن کریم به کرّات آمده‌است؛ اما تنها در چهار آیه در معنای عهد بستن و الزام خویش به انجام امری آمده که عبارتند از: «**إِنِّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمنِ صَوْماً**» (مریم، ۲۶)، «**ما أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَهٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ**» (البقرهٔ، ۲۷۰)، «**رَبِّ إِنِّی نَذَرْتُ لَکَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّرًا**» (آل عمران، ۳۵) و «**یُوفُونَ بِالنَّذْرِ**» (الانسان، ۷). آنچه قابل توجه است این که در این چهار آیه دو مورد درباره مادر و مادر بزرگ حضرت عیسی (ع) است، که در این باره نیز در بخش بررسی واژه در زبان سریانی و عهد جدید سخن خواهیم گفت. اما معنای دیگر این ریشه، اُنْذَار است و آن اعلامی است که در آن ترساندن است، همانگونه که تبشیر اعلامی است که در آن خوشحالی است (راغب اصفهانی، ۷۹۷). مشتقات نذر در آیات ذیل در معنای اخیر است: «**فَأَنْذَرْتُکُمْ ناراً تَلَظَّی**» (اللیل، ۱۴)، «**أَنْذَرْتُکُمْ صاعِقَهً مِثْلَ صاعِقَهِ عادٍ وَ ثَمُودَ**» (فصلت، ۱۳)، «**اذْکُرْ أَخا عادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقافِ**» (الأحقاف،۲۱)،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

«الَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ» (الأحقاف، ۳)، و «لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرى وَ مَنْ حَوْلَها وَ تُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ» (الشوری، ۷).

آنچه از آیات قرآن بر می‌آید این است که قرآن بیشتر این ریشه را در معنای ترس و بیم دادن به استخدام گرفته است؛ گرچه همان چهار مورد کافی بود تا معنای نَذر و عهد در ادبیات دینی – فقهی اسلام جایگاه خاصی پیدا کند و بابی را در فقه به خود اختصاص دهد، ولی این ریشه در قرآن با هشدارهای جدی از سوی خداوند نسبت به عذاب‌های اقوام مختلف و بیم از تبعات اعمال نادرست در جهان دیگر عجین گشته‌است. همچنین ارتباط ویژه‌ای نیز این ریشه با مأموریت پیامبران دارد که غالبا هشدارهای پیامبران با این ریشه همراه است. از کاربردهای قرآن چنین برداشت می‌شود که این ریشه در بین اعراب قبل از اسلام و هم عصر ظهور اسلام، بیشتر در معنای ترس و بیم کاربرد داشته و اعراب با این معنا مأنوس‌تر از معنای عهد و نَذر بوده‌اند.

۳. معناشناسی «نَذر» در زبان عبری و عهد عتیق

معادل نَذْر در زبان عبری واژه‌ی נָדַר (nādar) به معنای نذر کردن است. (Gesenius ,652؛ Klein,406) این واژه در زبان آرامی، سریانی و اوگاریتی با همین معنا و تفاوت‌های جزیی در ساختار وجود دارد (Klein,406). با دقت در ساختار واژه، نکاتی قابل توجه است؛

از آن‌جایی که الفبای عبری حرف ذال ندارد این حرف معادل دال و ذال عربی است. بدین صورت که با تفخیم، دال و با ترقیق، ذال تلفظ می‌شود. پیش‌تر صاحب التحقیق گفته بود که چون در زبان عبری و سریانی حرف ذال وجود ندارد، ذال در این واژه زاء یا دال نوشته می‌شود. دراین باره باید گفت گرچه در الفبای عبری و سریانی ذال وجود ندارد، ولی در تلفظ ذال کاربرد داشته و با ترقیق دال حاصل می‌شود و باید توجه داشت که اصل ابجد ۲۲ حرف است که الفبای زبان عبری و سریانی شامل این ۲۲ حرف می‌باشد و بقیه حروف

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

ابجد حاصل وضع اعراب است که به آن اضافه کرده‌اند. حرف נ (نـون) هـیچ شـباهتی بـه حرف نون عربی ندارد، اما تلفظشان در عبری و عربی یکسان است. این نشان می‌دهـد کـه این ریشه در زبان‌های سامی هم اشتراک ساختاری و هم اشتراک معنایی داشته؛ گرچـه بـه مرور زمان دچار تغییراتی در دو زمینه گردیده‌است. در قالب فعلی ۳۱ بار در عهد عتیق به کار رفته است. پراکندگی این واژه در سرتاسر عهد عتیق است؛ اما به ندرت در کتـاب‌هـای پیامبران (نبوئیم) یافت می‌شود. در سفر اعداد درباره نذر کردن و برخی از شرایطش سـخن به میان آمده‌است. (اعداد، ۱۶-۳۰:۲) در عهد عتیق مرد و زن می‌توانند نذر کنند. نذرکردن در عهد عتیق هم‌ردیف قَسَم‌خوردن قرارگرفته و شرایطی دارد، از جمله عمل به نذر و قسم، مانند: «اگر مردی برای خداوند نذر کند، یا سوگند خورَد که خود را به انجام تعهـدی مقیـد سازد، نباید قول خود را بشکند، بلکه باید بر حسب هرآنچه از دهانش بیرون آمـده، عمـل نماید.» (اعداد،۳۰:۲) شاهد عبارت כִּי־יִדֹּר (yidor)است. جمله به صورت شـرطی اسـت و این ترکیب از כִּי (kiy) به معنای اگر و יִדֹּר (yidor) به معنای نذر کند است. برخلاف عهـد عتیق که حکم نَذر را بیان داشته که نباید آن را شکست، در قرآن این حکـم بـه صـراحت نیامده است، بلکه از آیات دیگر که انسان را ملزم به تعهدات می‌کند، برداشت می‌شـود کـه باید به نَذر پایبند بود، مانند آیه‌ی «**الَّذينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ ميثاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُون**» (البقره، ۲۷)؛ یعنی: (همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خداوند بـه پیوسـتنش امـر فرمـوده می‌گسلند و در زمین به فساد می‌پردازند آنانند کـه زیانکارانـند.). البتـه از آیـه‌ی «**يُوفُـونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخافُونَ يَوْماً كانَ شَرُّهُ مُسْتَطيرا**» (الانسان، ۷) نیز برداشت می‌شود که باید بـه نـذر وفادار بود عبارت عهد عتیق در نهی از نقص تصریح دارد اما قرآن با قراین آیات دیگر این حکم استنباط می‌شود. از سوی دیگر در روایـات رسـیده از پیـامبر(ص) و معصـومین (ع) مفصل احکام نَذر و عهد بیان گردیده است. این ریشه در قالب اسمی ۶۰ بار در عهد عتیـق ذکر گردیده که ۱۹ بار آن همراه با فعل نذر کردن است. در تثنیه در فصـل ۱۲ کـه دربـاره

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

پاره‌ای از احکام سخن می‌گوید، این چنین آمده‌است: «عُشر غلّه و شیره و روغن و نخست‌زاده رمه و گله خود را در دروازه‌های خود مخور، و نه هیچ یک از نذرهای خود را که نذر می‌کنی و از نوافل خود و هدایای افراشتنی دست خود را.» (تثنیه، ۱۲/۱۷) چنانکه ملاحظه می‌گردد در این عبارت נְדָרֶךָ(nedāre) نذرها و תִּדֹּר (tidor) نذر می‌کنی، با هم قرین گشته‌اند.

نذر کردن در عهد عتیق مشروط و غیر مشروط است. غیر مشروط آن این گونه است که کسی در برابر نذری که می‌کند هیچ چشم داشتی نداشته باشد، مانند: «آنچه را که برای خداوند نذر کرده بودم، در حضور همهٔ مردم به او ادا خواهم‌کرد.» (مزامیر، ۱۱۶/۱۴) در این فصل مزامیر که سپاسگزاری خداوند را شامل می‌شود و نوعی راز و نیازی با خداوند است در عبارت ۱۴ آن خود را به ادای نذر که برای خداوند کرده مکلف می‌داند. با توجه به این که در عبارت قبل چیزی در قبال نذر بیان نگردیده و نذر مطلق آمده‌است می‌توان نتیجه گرفت که این نذر در قالب خدمت یا عبادت برای خداوند بدون چشم داشت چیزی است. و دلیل آن عبارت بعد است (مزامیر، ۱۶/۱۱۶) که خود را بنده خداوند معرفی می‌کند. بنابراین نذر باید برای خدا و از روی اراده باشد.

در عهد عتیق می‌توان نذر را باز خرید کرد (لاویان، ۲۵/۱–۲۷). باز خرید نَذر در عهد عتیق می‌تواند با کفاره نذر در اسلام مطابقت داشته‌باشد با این تفاوت که در اسلام بازخرید نذر نداریم و به عبارت دیگر کسی که از روی قصد نَذری کند ملزم به ادای آن می‌باشد و در صورتی که از عمد آن را نقض کند مکلف به پرداخت کفاره است که شرایط و میزان آن در کتب فقهی آمده است.

در عهد عتیق بین نذر و وقف ارتباط نزدیکی است به طوری که از برخی عبارات فهمیده می‌شود که هر دو یکی هستند و این مطلب از این عبارت برداشت می‌شود: «به مردم اسرائیل خطاب داد: اگر کسی مطابق نذری، وقف من شود، آن شخص می‌تواند با پرداخت مبلغ معیّنی خود را آزاد سازد» (لاویان ۲۷/۲). وقف اشخاص برای خدا از این عبارت

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

فهمیده می‌شود البته این با نذر کردن محقق می‌شود مانند آیه: «**إِنِّی نَذَرْتُ لَکَ ما فی بَطْنی مُحَرَّرا**» (آل‌عمران، ۳۵) که مادر مریم نذر کرد که فرزندش برای خدا یعنی در خدمت خدا باشد. باز خرید اشخاص نذر شده نقره است بر اساس سن محاسبه می‌شود (لاویان۲۷/۷). افراد در صورتی که نتوانند مبلغ باز خرید را پرداخت کنند پیش کاهن می‌روند تا مبلغ را او تعیین کند و تخفیف دهد (لاویان ۲۷/۸). اگر آنچه نذر برای خدا شد مثلا حیوان باشد باید همان را بدهد نه اینکه تغیرش دهد: «آن [حیوان] را نباید با چیز دیگری عوض کند و یا خوب را با بد، یا بد را با خوب تغییر بدهد. اگر چنین کند، هر دو حیوان به من تعلّق می‌گیرند.» (لاویان، ۱۰/۲۷) زمین، خانه یا حیوانی که از طریق نذر، وقف خداوند شده‌اند باید برای باز خرید نذر، به طور رسمی قیمت گذاری شوند. «قیمتها باید مطابق نرخ رسمی تعیین گردند.» (لاویان، ۲۷/۲۵) البته یک استثنا درباره آنچه تماما برای خداوند وقف شده باشد وجود دارد و آن این است: «هرگز چیزی را که کاملاً وقف خداوند شده باشد، نمی‌توان بازخرید کرد؛ چه انسان، چه حیوان و چه زمین باشد، چون آنها همیشه به خداوند تعلّق دارند.» (لاویان، ۲۷/۲۸) این فقره از لاویان با آنچه پیشتر درباره وقفی که با نذر برای خداوند صورت می‌پذیرد، ناسازگار است؛ زیرا عبارات پیشین وقف را مطلق آورده بود و سخنی از وقف مقید نکرده بود و وقف مطلق برداشت می‌شد. لذا باز خرید وقف در این عبارات مبهم است و ممکن است این تعارض در فقهشان تبیین شده باشد. در عهد عتیق هر چیزی را نمی‌توان نذر کرد، لذا باید مشروعیت داشته باشد: «مزد فاحشه و بهای سگ را برای هیچ نذری به خانهٔ یهوه خدایتان میاورید، زیرا که یهوه خدایتان از این هر دو کراهت دارد.» (تثنیه، ۲۳/۱۸) نذری برای خدا باید بی عیب باشد: «هرگاه کسی از رمه یا گلّهٔ خود حیوانی را به عنوان قربانی سلامتی برای من تقدیم می‌کند، چه این قربانی نذری باشد، چه دلخواه، آن حیوان باید سالم و بی عیب باشد تا مورد قبول من واقع گردد.» (لاویان، ۲۲/۲۱)

در سفر اعداد فصل ۶ اختصاص به قوانین نذر است. برخی از این قوانین را ذکر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

می‌کنیم: «تا هنگامی که خود را وقف خداوند کرده است، نباید مشروبات الکلی، شراب، سرکه و آب انگور بنوشد و نباید انگور، کشمش و هر چیزی که از تاک به دست آمده باشد، حتّی دانه و پوست آن را بخورد.» (اعداد، ۶/۳) همچنین در همین سفر فصل ۳۰ اختصاص به نذر و قسم داده شده است.

٤. نذر نذیره در عهد عتیق

در سفر اعداد فصلی تحت نذر نذیره وجود دارد که شرایط و قوانین نذر را بیان کرده است. واژه شناسی نذر در زبان عبری گذشت؛ اما منظور از نذیره چیست؟ واژه‌ی נָזִיר (nāziyr) از ریشه‌ی נָזַר (nazar) به معنای اختصاص‌دادن، خود را وقف کردن، و نذر کردن است. در این جا این سؤال مطرح می‌شود که این واژه چه ارتباطی با واژه‌ی נָדַר (nādar) دارد؟ وقتی به ساختار دو واژه نگاه می‌کنیم حروف نون و راء در هر دو مشترک است؛ اما حروف دوم در یکی (دال که با ترقیق ذال می‌شود) و در دیگری (ز) است. ضمن این که هر دو واژه در معاجم عبری در دو مدخل آمده‌اند. دیدیم که لغت شناسان נָדַר (nādar) را نذر کردن معنا کردند. حال ببینیم در رابطه با واژه‌ی נָזַר (nazar) چه می‌گویند. ارنست کلین این واژه را جداکردن، اختصاص دادن و نذر کردن معنا کرده است.(klein,411) جِسنِیوس این واژه را دقیقا نذر معنا کرده و اشاره می‌کند که در عربی به معنای نذر است (gesenius, 661) نظر لغویون در معنای این واژه قطعیت در نذر کردن را می‌رساند. اما برخی عین عبارت Nazarite را در معنای آن آورده‌اند گویی نوعی اسم خاص از نذر است و شاهد آن ترجمه‌ی the vow of a Nazirite از نذر نذیره در (اعداد ۶:۲) است. (New American Standard Bible 1995) برخی از ترجمه‌ها هم به نذر خاص اشاره کرده‌اند و هم عین عبارت Nazirite را آورده‌اند، مانند: a special vow, the vow of a Nazirite ((American Standard Version 1901) همچنین در ترجمه‌های فارسی نیز شاهد این تفاوت‌ها هستیم. از نظر این پژوهش واژه‌ی נָזִיר (näziyr) همان נָדַר (nādar) است و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

ترکیب این دو واژه در یک عبارت برای تأکید یا نوع خاصی از نذر کردن است که می‌توان این ترکیب را با مفعول مطلق نوعی یا تأکیدی در زبان عربی مطابق دانست، چنان که گفته می‌شود: «نذرت لله نذرا» و یا «نذرت لله نذراً جمیلاً». نکته دیگر تلفظ حرف دوم این حرف یعنی (ز) به واقع نزدیکتر است از این جهت که در الفبای عبری فقط یک حرف تلفظ (ز) دارد و آن هم ז است این حرف بسیار به حرف دال ד شبیه است، لذا محتمل است که این شباهت باعث گردیده که در طول زمان تلفظ واحد منجر به کتابت دوگانه گردیده باشد و بیشتر به نظر می‌آید که اشتباه نساخ در کتابت عهد عتیق بوده که بعدها به معاجم عبری نیز سرایت کرده است.

آنچه در بالا آمد معناشناسی مشتقات «نَذر» در زبان عبری و عهد عتیق بود. نکته قابل ملاحظه، فقدان معنای ترس و بیم برای این ریشه در زبان عبری است. با بررسی‌هایی که نویسندگان انجام دادند در هیچ منبع عبری هیچ گونه اشاره‌ای به انذار و ترساندن در معنای آن نیامده‌است و این حاکی از آن است که در عصر تورات ریشه‌ی «نَذر» فقط در معنای نَذر و عهدکردن بوده و این معنا تا عصر حاضر در این زبان حفظ شده‌است.

۵. معناشناسی نذر در زبان سریانی و عهد جدید

معادل نذر در زبان سریانی واژه‌ی ܢܕܪ(nzr) است. ساختار واژه شباهت‌هایی به نذر عربی دارد. حرف اول دقیقا مانند حرف نون عربی در هنگام اتصال به حروف دیگر است. حرف دوم ܕ (d) شبیه دال عربی می‌شود. نقطه زیر آن برای تشخیص این حرف از حرف راء سریانی است. در الفبای سریانی حرف ذال نداریم و حرف دال در صورت ترقیق ذال تلفظ می‌شود و شاهد آن واژه‌ی مورد بحث است. حرف ܪ(r) نیز شبیه راء عربی می‌شود. نقطه روی آن تمایز این حرف را با دال نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که الفبای سریانی جز حرف دال و راء فاقد نقطه است و نقطه این دو حرف صرفا جهت تشخیص آنها از هم است. بنابراین واژه‌ی ܢܕܪ(nzr) در زبان سریانی ساختار و تلفظی شبیه عربی نذر دارد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

لغت شناسان سریانی ܢܕܪ(nzr) را نذرکردن معنا کـرده‌انـد. (costaz ,198) پـین اسـمیت برای تبیین بیشتر معنای این واژه مثالی می‌آورد می‌گوید: «درختانی که نزدیک معبـد بـرای بت‌ها به عنوان وقف کاشته می‌شد» (Smith,328) نذر برای خداوند نیز در معنـای ایـن واژه ذکر شده است. (همان) در فرهنگ کلدانی نیز سه معنای: نذر، هدیه و صدقه برای ܢܕܪ(nzr) آمده است. (منّا، ۴۰۰) با توجه به مطالب فوق ملاحظـه گردیـد کـه ایـن واژه در دو زبـان عربی و سریانی در ساختار و معنا یکسان هستند اما آنچه در زبان عربی نسـبت بـه زبـان سریانی ذیل این واژه پر رنگ است معنای بیم و انذار دادن است. فقط در فرهنـگ کاسـتاز از مشتقات ܢܕܪ(nzr) واژه‌ی ܢܙܪܐ (nozārā) به معنای عذاب است که در این صورت ایـن معنا با بیم و انذار دادن قرابتی دارد. با توجه به ایـن کـه معنـای عـذاب، تنهـا در فرهنـگ کاستاز برای این ریشه آمده و این فرهنگ از فرهنگ‌های قرن بیستم است، به احتمال زیاد چون نویسنده لبنانی است، تحت تأثیر فرهنگ عربی قرارگرفته و این معنـا را در فرهنـگ خود آورده‌است. دلیل ما بر این ادعا این است کـه ایـن معنـا در مهمتـرین و قـدیمی‌تـرین فرهنگ سریانی یعنی فرهنگ بار بهلول نیامده‌است.

۶. نذر در عهد جدید

چنان‌که دیدیم در عهدعتیق این ریشه و مشتقاتش فراوان ذکر شـده بـود. خـلاف عهـد عتیق در عهدجدید فقط در دو مورد واژه‌ی ܢܕܪ(nzr) آمده‌است و این جای تعجب است که بسیاری از پیامبران بنی اسرائیل در عهد عتیق نذر کـرده و مـی‌دانـیم کـه بـر اسـاس مـتن عهدجدید این کتاب ادامه عهدعتیق است و حضرت عیسی خود بیان می‌کند که نیامده‌اسـت تا احکام پیشین را نسخ کند؛ اما در هیچ جای اناجیل اشاره‌ای به نذر نشده و یا بیـانی کـه حکایت از سفارش حضرت عیسی(ع) به این موضوع داشته‌باشد، یافت نمی‌شـود و عملـی که از سیره ایشان، برداشت نذر شود وجود ندارد. فقط در اعمال رسولان در سـخن پـولس به این موضوع اشاره‌شده است. «پولُس پس از اقامتی طولانی در قُرِنتُس، بـا بـرادران وداع

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

کرد و از راه دریا عازم سوریه شد. در این سفر، پْریسکیلا و آکیلا نیز همـراهش بودنـد. او در کِنخْریه سر خود را تراشید، زیرا چنین نذر کرده بود.» (اعمال رسـولان، ۱۸/۱۸) طبـق این عبارت پولس بر اساس نَذری که کرده بود موی سر خود را می‌تراشد. مورد دیگـر نیـز در ورود پولس به اورشلیم است که در گفتگوی وی با ساکنان اورشلیم به وی مـی‌گوینـد: «پس هرچه به تو می گوئیم انجام بده. در اینجا چهار نفر هسـتند کـه نـذری نمـوده انـد.» (اعمال رسولان، ۲۱/۲۳) ظاهرا نذر این چهار نفر این بوده که سرشان را بتراشتند و این از عبارت بعد فهمیده می‌شود که می‌گوید: «آنها را همراه خود ببر و به اتفاق ایشان آیین تطهیر را به جا آور و خرج ایشان را بده تا بتواننـد سـرهای خـود را بتراشـند. بـدین سـان همـه در خواهند یافت که این شایعات دربارهٔ تو راست نیست، بلکه تو نیز شریعت را نگاه داشته، در آن سلوک می‌کنی.» (اعمال رسولان، ۲۱/۲۴) از آنجایی که این ورود پولس به اورشلیم با مخالفت یهودیان مواجه بود و شایعه شده بود که پولس از شریعت یهود منحرف شده‌است یهودیان گرویده به پولس این پیشنهاد را به وی می‌دهند و این نشان می‌دهد که آنها عامـل به نذر وارده در شریعت موسی(ع) بوده‌اند. در هر حال به غیر این دو مورد در جایی دیگـر از عهد جدید از نذرکردن سخنی به میان نیامده است و به تبـع آن دسـتوراتی نیـز دربـاره کیفیت نذر وجود ندارد به عبارت دیگر قوانین نذر همان است کـه در عهـد عتیـق آمـده و پیروان حضرت عیسی مکلف به انجام همان هستند. به نظر می‌رسد در آیین مسیحیت طبق متن عهد جدید نذر شایع نبوده‌است و به عنوان یک فرهنگ مرسـوم نبـوده اسـت و آن دو موردی هم که در عهد جدید ذکر گردیده، پولس در آن‌ها نقش داشته‌اسـت و از آنجـا کـه پولس پیش‌تر یهودی بوده و یهودیان او را مرتد دانستند، پولس برای رفع اتهام به تراشـیدن سر خود بر اساس نذر اقدام کرد تا از جانب یهودیان در امان باشد، و گرنه چرا هیچ جـای دیگر عهد جدید به این موضوع اشاره‌ای نشده، در حالی‌کـه در مـوارد متعـددی بـه وقـف پرداخته‌شده‌است. مگر اینکه تسامحاً وقف را در عهد جدید بر نذر تسری دهیم که این هـم با تکلّف همراه است. این مشکل را قرآن حل می‌کند و از آیات قرآن می‌توان فهمید که نذر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

در بین پیروان حضرت عیسی امری پسندیده بوده، مخصوصا اگر برای خداوند و کارهای مربوط به عبادت باشد. توضیح بیشتر این که آنچه درباره نذر کردن در قرآن گذشت و به موارد آن اشاره شد، دو مورد با حضرت عیسی ارتباط دارد، یکی نذر مادر حضرت مریم(س) تا خداوند به وی پسری عطا کند: «**إِذْ قالَتِ امْرَأَتُ عِمْرانَ رَبِّ إِنِّی نَذَرْتُ لَکَ ما فی بَطْنی مُحَرَّراً فَتَقَبَّلْ مِنِّی إِنَّکَ أَنْتَ السَّمیعُ الْعَلیم**» (آل‌عمران، ۳۵)، دیگری نذر روزه سکوت مریم (س) در هنگام تولد حضرت عیسی(ع) است، «... **فَإِمَّا تَرَیِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَداً فَقُولی إِنِّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمنِ صَوْماً...**» (مریم،۲۶) از این دو آیه فهمیده می‌شود که در عصر حضرت عیسی(ع) آیین نذر کردن رایج بوده، منشأ وحیانی داشته و امری مقبول بوده‌است؛ اما آنچه قابل تأمل است با توجه به اشاره قرآن درباره نذر مادر بزرگ و مادر حضرت عیسی(ع) در عهد جدید از این موضوع خبری نیست.

نتایج مقاله

۱- ماده «نذر» در زبان‌های سامی هم اشتراک ساختاری و هم معنایی دارد که با گذشت زمان دچار تغییراتی در دو زمینه گردیده است. این ریشه در زبان عبری و عهد عتیق به معنای نذر و وقف کردن و عهد نمودن و در زبان سریانی و عهد جدید که شباهت لفظی بیشتری به نذر عربی دارد، علاوه بر این معانی در معنای صدقه و هدیه دادن و در زبان عربی و قرآن کریم در معانی نذر، عهد و پیمان، هشدار دادن و ترساندن و آگاه نمودن آمده‌است که این دو معنای اخیر افزون بر معانی واژه در عبری و سریانی است.

۲- مفهوم نذر کردن در عهد عتیق بسامد بالایی داشته و نذر کننده مجاز به نقض آن نیست؛ اما این حکم در قرآن به صراحت نیامده، بلکه از آیات دیگر که انسان را ملزم به پایبندی به عهد و پیمان با خدا می‌کند، می‌توان برداشت نمود که باید به نذر پایبند بود.

۳- در عهد عتیق سخن از مشروعیت، بی‌عیب و نقص بودن و باز خرید کردن نذر به میان آمده که این امر اخیر می‌تواند با کفاره نذر در اسلام مسانخت داشته باشد؛ زیرا که در

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

اسلام هر کس از روی قصد نذری نماید ملزم به ادای آن است و در صورت نقـض عمـدی آن مکلف به پرداخت کفاره است که شرایط و میزان آن در کتب فقهی آمده‌اسـت. در عهـد عتیق نذر نذیره نیز ذکر شده که نوع خاصی از نذر است.

۴- در عهد جدید تنها در دو مورد اشاره به نذر کردن شده؛ امـا بیـان و ذکـر عمـل و سیره‌ای که بیانگر سفارش عیسی(ع) به ایـن موضـوع باشـد، وجـود نـدارد و بـه تبـع آن دستوری نیز برای کیفیت نذر ذکر نشده است. اگر بخـواهیم بـر اسـاس مـتن عهـد جدیـد قضاوت نماییم، نذر کردن در فرهنگ مسیحیت مرسوم نبوده است؛ اما براساس آیات قـرآن که سخن از نذر مادر مریم(س) در درخواست پسر از خداوند و سپس نذر مریم(س) درباره روزه سکوتش به هنگام تولد فرزند آمده، آیین نذر کردن در مسیحیت در زمان عیسـی(ع) امری رایج و مقبول بوده‌است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.

۲. ابن منظور الأفریقی، محمد، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، الطبعه الأولی،۱۴۰۶ق.

۳. ابن‌فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، القاهره، مکتبه الخانجی، ۱۹۹۸م.

۴. الأسدی، بشربن‌أبی‌خازم، دیوان الشعر، شرح مجید طراد، لبنان، بیروت: دارالکتاب‌العربی، ط. الأولی، ۱۴۱۵ق.

۵. جفری، آرتور، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.

۶. جین، ایچسون، بذرهای گفتار، ترجمه حبیب اصل سلیمانی و طیبه فخار، چاپ اول، دانشگاه گیلان، ۱۳۸۶ش.

۷. حجازی، محمود فهمی، زبان‌شناسی عربی، ترجمه سیدحسین سیدی، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۷۹ش.

۸. الذبیانی، النابغه، دیوان الشعر، شرح عباس عبدالساتر، بیروت: دارالکتب العلمیه ط. الثالثه، ۱۴۱۶ق.

۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الالفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دارالعلم دمشق و الدار الشامیه بیروت، ۱۴۱۶ق/ ۱۹۹۶م .

۱۰. زهیربن‌أبی سلمی، دیوان الشعر، شرح علی حسن فاعور، بیروت: دارالکتب العلمیه، ط. الأولی، ۱۴۰۸ق.

۱۱. طرفهٔ بن‌العبد، دیوان الشعر، شرح الأعلم الشنتمری، ط. الثانیه، بیروت: دار صادر، ۲۰۰۰م.

۱۲. العبسی، عنترهٔ بن شدّاد، دیوان الشعر، تحقیق حمدو أحمد طمّاس، ط. الثانیهٔ، بیروت: دارالمعرفهٔ، ۲۰۰۴م.

۱۳. عهد عتیق، کتاب‌های شریعت یا تورات بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ترجمه پیروز سیار، تهران: هرمس، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.

۱۴. کتاب مقدس، ترجمه پیروز سیار، عهد جدید براساس کتاب مقدس اورشلیم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷ش.

۱۵. کتاب مقدس، ترجمه‌های مژده، هزاره نو، دری، قدیم؛ از نرم افزار مژده.

۱۶. گیررتس، دیرک، نظریه‌های معناشناسی واژگانی، ترجمه کورش صفوی، تهران، علمی،۱۳۹۳ش.

۱۷. ماسون، دنیز، قرآن و کتاب مقدس، درون مایه های مشترک، ترجمه فاطمه سادات تهامی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهرودی، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.

۱۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ق.

۱۹. منّا، یعقوب اوجین المطران، قاموس کلدانی عربی، بیروت: منشورات مرکز بابل ۱۹۷۵م.

20.Costaz, Louis,S.J, Dictionnaire Syriaqus- Français, Syriac-English Dictionary, (دار المشرق) قاموس سریانی عربی Third Edition, Beyrouth, dar el- machreq, 2002.

21. Klein, Ernest. A Comprehensive Etymological Dictionary of the Hebrew Language for Readers of aeanglish, Jerusalem, 1987.

22. Lockman Foundation, California New American Standard Bible, 1995.

23. Margoliouth. MRS. A Compendius Syriac Dictionary, A Founded upon The Thesarus Syriacus of R.Payne Smith, Oxford at the Clarendon Press. 1903.

24. The Holy Bible, American Standard Version, Thomas Nelson & Sons, New York, 1901

25. Wilhelm Gesenius, A Hebrew and English Lexcion of the Old Testament, Boston, Houghton, Mifflin and Company, 1882.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]
[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.11.7]
[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]